

سن تکلیف و مسئولیت در حقوق افغانستان و ایران

سید محمد عالمی^۱

چکیده

سن تکلیف و مسئولیت یکی از حساس‌ترین مرحله‌های زندگی انسان است که با رسیدن بدان از سویی مورد خطابات (اوامر و نواهی) شرعی قرار می‌گیرد و باید ملتزم به دستورات الهی و مناسک عبادی باشد و از سوی دیگر، دارای حقوق و تکالیف اجتماعی می‌شود؛ یعنی می‌تواند حقوق خویش را اعمال و استیفاء نماید و باید نسبت به رعایت حقوق دیگران مواظبت کند. سن تکلیف در حقوق ایران به تبعیت از نظر مشهور فقیهان امامی، در دختران ۹ سال تمام و در پسران پانزده سال تمام قمری پیش‌بینی شده است؛ اما نسبت به سن مسئولیت سخن واضحی بیان نشده جز اینکه برای تصرفات مالی شرط رشد را در نظر گرفته است. در حقوق افغانستان به تبعیت از قوانین سایر کشورها سن تکلیف و مسئولیت را ۱۸ سال شمسی دانسته است.

واژگان کلیدی: سن تکلیف، سن مسئولیت، حقوق ایران و افغانستان، سن بلوغ، فقه امامیه، فقه حنفی

۱. گروه کلام اسلامی، مجتمع آموزش عالی امام خمینی، جامعه المصطفی العالمیه، بلخ، افغانستان.



مقدمه

بحث سن تکلیف و مسئولیت (به تعبیر فقهی، سن بلوغ)، یکی از مباحث اختلافی در فقه و حقوق است؛ فقیهان (شیعه و سنی) برای مشخص کردن تکالیف عبادی و غیرعبادی که در فقه مطرح است، با تکیه بر آیات و روایات مختلف، نظریات متفاوتی داده‌اند. حقوق‌دانان نیز در بحث «اسباب محجوریت» اطفال را جزء محجورین، و محجورین را از نظر حقوق و تکالیف با دیگران متفاوت دانسته‌اند. در نتیجه قانون‌گذاران هر کشوری، برای بیرون رفت از محجوریت صِغَر سن و اهلیت حقوقی پیدا کردن (صاحب حق و تکلیف مدنی شدن)، سنّ مشخصی را به عنوان اماره اهلیت در نظر گرفته‌اند.

ضرورت این بحث روشن است، چون اولاً، «یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین مراحل زندگی هر انسانی مرحله بلوغ او است؛ زیرا این مرحله که یکی از مراحل تکامل طبیعی خلقت انسان و یکی از اسرارآمیزترین و إعجاب‌انگیزترین نشانه‌ها و رموز خلقت می‌باشد، حد تکلیف است». (صفایی و قاسم‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۱۸) ثانیاً این بحث گرچه مقایسه بین قانون مدنی دو کشور اسلامی است، منتها به اعتبار منبع، مقایسه بین برداشت و حکم مراجع مذهبی دو مذهب اسلامی از متون دینی نیز می‌باشد؛ زیرا قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر فقه اهل بیت^(ع)؛ اما قانون مدنی جمهوری اسلامی افغانستان متکی بر فقه حنفی است. در این دو مکتب فقهی، گرچه منابع مشترک مثل قرآن و سنت پیامبر^(ص) وجود دارد؛ اما در اینگونه مباحث که قرآن کریم تصریح ندارد و روش و ملاک‌های استفاده و بهره‌داری از سنت رسول الله^(ص) نیز بین دو مذهب متفاوت است و هرکدام منابع اختصاصی دیگر هم دارند، اختلافات فراوانی به چشم می‌خورد که قابل ملاحظه و دقت است.

بحث سن تکلیف و مسئولیت از زمانی که بنیاد و قوانینی وضع شده، مطرح بوده است؛ زیرا تنها سبب بیرون رفت از محجوریت صِغَر سن که در همه قوانین مورد توجه بودم، رسیدن به سنی است که در قانون هر جامعه برای احراز یکی از اسباب اهلیت قانونی پیدا کردن، مشخص شده است.



بنابراین گذشته این بحث به طول تاریخ ایجاد تکلیف و تدوین قوانین مدنی در جوامع قانونی برمی گردد؛ اما در بحث مقایسه ای سن تکلیف و مسئولیت، تحقیق به چشم نمی خورد. گرچه به صورت پراکنده، محققان در بحث «اشخاص و محجوریت» هنگام بیان اسباب حجرزدایی به این مسئله اشاره کرده اند تا برای قانون گذاران گوشزد کنند که سن رشدی که صغیر محجور را از حجر بیرون می کند، در کشورهای دیگر چند سالگی تعیین شده است تا دقت بیشتر برای تعیین سن مناسب نمایند؛ اما به صورت مفصل وارد نشده اند.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. مفهوم تکلیف

تکلیف در لغت یعنی «امری که انجام آن سختی و مشقت دارد» و «آنچه که در معرض ثواب و عقاب است». (طریحی، ۱۳۷۵، ۵: ۱۱۵) در اصطلاح از تکلیف تعریف هایی شده است که در اینجا به ارائه دو تعریف زیر بسنده می شود:

(۱) برخی گفته اند: «تکلیف عبارت است از امری که فرد ملزم به انجام آن است و هرگاه برخلاف آن رفتار نماید، به جزایی که در خور آن امر است، دچار می گردد».

(امامی، ۱۳۷۷، ۴: ۱۷)

این تعریف به نظر می رسد دقیق نیست؛ زیرا اولاً تنها جنبه اثباتی تکلیف را بیان کرده و جهت نفی تکلیف (تروک) در این تعریف منعکس نشده است. در حالی که خود این تعریف کننده نیز تکلیف را دو قسم (مثبت و منفی) می داند. (امامی، ۱۳۷۷، ۴: ۱۷) ثانیاً بیشتر جنبه تکلیف کیفری دارد نه مدنی؛ زیرا در تکالیف مدنی مسئله جزا و کیفر مطرح نیست. گرچه ممکن است از «جزای درخور آن امر» که در تعریف آمده، جبران خسارت مالی و غیرمالی که خود نوعی از جزا است را نیز می توان فهمید.

(۲) برخی دیگر در تعریف تکلیف گفته اند: «تکلیف (=تعهد، وظیفه)، اوامر و

نواهی قانونی را گویند». (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ۲: ۱۴۰۳)



در این تعریف گرچه سعی شده هر دو جهت تکلیف (اثباتی و نفیی) لحاظ گردد؛ اما مشکل عمده این تعریف در این است که نفس اوامر و نواهی را تکلیف دانسته است، در حالی که اوامر و نواهی تکلیف سازند نه اینکه خود آن‌ها تکلیف باشند. از آنجا که این دو تعریف ناقص به نظر می‌رسد، لازم است ارکان تکلیف بیان گردد

تا به تعریف جامع‌تر دست یابیم. ارکان سازنده تکلیف عبارتند از:

۱. مکلف: مقامی که دیگران را ملزم به انجام یا ترک امر معینی می‌کند؛
۲. مکلف: کسی که ملزم به انجام یا ترک امر معینی است؛
۳. مورد تکلیف: امری که باید شخص آن را به جای آورد یا ترک کند؛
۴. رابطه حقوقی: رابطه تصویری و اعتباری بین مکلف و مورد تکلیف؛
۵. جزا: الزام مکلف به اجرای تکلیف و اگر در اثر عدم رعایت تکلیف خسارتی متوجه دارنده حق گردد، از طرف قوه مجریه، مکلف ملزم به جبران آن می‌شود. (امامی، ۱۳۷۷، ۴: ۱۷)

با توجه به ارکان و معنای تبیینی که برای هر کدام ذکر شد، می‌توان گفت: «تکلیف وظیفه‌ای است که به موجب امر یا نهی قانون‌گذار پدید می‌آید و انجام آن (فعل یا ترک فعل، قول یا ترک قول) الزامی است».

۲-۱. مفهوم مسئولیت

مسئولیت در لغت به معنای «عهده‌دار وظایف، اعمال و افعال شدن، سرپرستی»، (عمید، واژه مسئولیت) «ضمانت، ضمان، تعهد، مواخذه» (لغتنامه دهخدا، واژه مسئولیت) آمده است. در اصطلاح، در هر مورد که شخص موظف به جبران خسارت دیگری است می‌گویند در برابر او مسئولیت دارد. (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۳) به زبان دیگر، رابطه حقوقی که ناشی از فعل یا ترک زیان‌آور باشد؛ (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ۵: ۳۳۲۴) یعنی مسئولیت در مقام خسارتی که شخص (یا کسی که تحت مراقبت یا اداره شخص است) یا اشیای تحت حراست وی به دیگری وارد می‌کند و هم‌چنین مسئولیت شخص بر اثر تخلف از انجام تعهدات ناشی از قرارداد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۷: ۶۴۵)



عناصر مسئولیت آور یا مسئولیت ساز عبارتند از:

۱. وجود ضرر؛
 ۲. ارتکاب فعل زیان بار؛
 ۳. رابطه سببیت بین فعل شخص و ضرری که وارده شده است. (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۳)
- با توجه به تعریف‌ها و ارکان سازنده تکلیف و مسئولیت، روشن می‌شود که برخلاف برداشت متعارف و اولیه، تکلیف و مسئولیت دو چیز است نه یکی؛ تکلیف وظیفه الزامی است که پیرو امر و نهی قانون‌گذار ایجاد می‌شود؛ اما مسئولیت عبارت است از جبران خسارت وارده بر دیگری. به زبان دیگر، جبران خسارت مالی معنوی که در اثر بی‌توجهی به قانون و حقوق دیگران، متوجه دیگری می‌شود، مسئولیت نام دارد.

۲. اقسام تکلیف و مسئولیت

برای تکلیف و مسئولیت اقسام متعددی وجود دارد، ولی در اینجا منظور انواع تکلیف و مسئولیت مدنی است که در زیر بدان‌ها اشاره می‌شود:

۱-۲. اقسام تکلیف مدنی

تکلیف مدنی به‌طور کلی به مثبت و منفی تقسیم می‌شود. تکلیف مثبت عملی است که باید مکلف آن را به جای آورد، مانند دادن نفقه اقارب و تسلیم مبیع در بیع؛ اما تکلیف منفی عملی است که مکلف آن را باید ترک نماید، مانند تعدی، تفریط و تصرف مالی که نزد او امانت است و...

۲-۲. اقسام مسئولیت مدنی

در دانش حقوق مسئولیت حقوقی به مسئولیت جزایی و مدنی و مسئولیت مدنی به مسئولیت قراردادی و غیر قراردادی (قهری) تقسیم می‌شود.

مسئولیت قراردادی عبارت است از تعهدی که در نتیجه تخلف از مفاد قراردادهای خصوصی برای اشخاص ایجاد می‌شود؛ (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۳) اما مسئولیت غیر قراردادی (ضمان قهری)، عبارت است از الزام شخص به جبران خساراتی که در



نتیجه عمل منتسب به او، به دیگری وارد آمده است. (قنواتی، ۱۳۷۷)

تفاوت این دو مسئولیت در این است که «در مسئولیت قراردادی باید بین مسئول و زیان‌دیده قرارداد درست و الزام‌آوری موجود باشد و خسارتی که به بار آمده، نتیجه تخلف از این قرارداد محسوب شود، در حالی که در مسئولیت قهری تنها قانون بر روابط طرفین حکومت دارد و هیچ پیمانی آن دورا به هم مربوط نمی‌کند». (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۳) قدر مشترک هر دو نوع مسئولیت، نقض تعهد و الزام است. نهایت اینکه در اولی نقض تعهد قراردادی می‌شود و در دومین، نقض تعهد قانونی. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۷: ۶۴۵)

۳. سن تکلیف و مسئولیت از نظر فقیهان امامی و اهل سنت

سن به‌عنوان یکی از اماره‌های بلوغ در فقه مطرح است که در کنار امارات طبیعی مثل احتلام، حیض، رویدن موهای خشن بر عانه، برای مکلفین قرار داده شده است که در صورت عدم اتفاق امارات طبیعی، با رسیدن به سن خاصی (به اختلاف انظار) به بلوغ شخص حکم می‌شود.

گرچه فقیهان معمولاً سن را اماره بلوغ می‌دانند؛ اما در مقام افتا گاهی به آن موضوعیت می‌دهند. برای مثال اگر دختری در کم‌تر از نه‌سالگی خون ببیند، هرچند خصوصیات حیض را داشته باشد، معتقدند که این خون حیض نیست. یا در مورد دخول به دختر کم‌تر از نه سال اگر موجب افساد شود، قائل به ضمانند؛ اما در بالاتر از نه سال هرچند موجب افساد دختر شود؛ به عدم افساد معتقدند. این بحث جای تأمل و دقت دارد که در اینجا جای طرح آن نیست.

فقیهان امامی با توجه به روایات مختلف، نظریات متفاوت و متعددی در مورد سن بلوغ ارائه داده‌اند. در اینجا با صرف نظر از نظریات جدیدی که محققین معاصر مطرح کرده‌اند، به ارائه پنج قول اکتفا می‌شود:

۱. در دختران نه و در پسران پانزده سال (قول مشهور)؛
۲. در دختران ده سال و در پسران پانزده سال؛
۳. در دختران سیزده سال و در پسران پانزده سال؛



۴. در دختران و پسران سیزده سال؛

۵. تفاوت سن بلوغ در ابواب مختلف فقه، دیدگاه مرحوم فیض کاشانی. (آیت اللهی، ۱۳۷۷: ۱۷ و ۱۸)

فقیهان اهل سنت نیز در سن بلوغ اختلافات فراوانی دارند که در زیر اشاره می شود:

۱. در دختر و پسر پانزده سال قمری؛ شافعیان (نووی، بی تا، ۱۳: ۳۵۹) و حنبلیان (ابن قدامه، بی تا، ۴: ۵۱۴) بر این نظرند؛

۲. در دختر و پسر هفده سال؛ دیدگاه مذهب مالکیه همین است؛ (سید سابق، بی تا، ۳: ۵۷۶)

۳. در دختر و پسر هفده سال و به استناد روایتی در پسر هجده سال؛ نظریه فقه حنفی همین است ابن قدامه، بی تا، ۴: ۵۱۴)

۴. بلوغ به سن حاصل نمی شود. بنابراین اگر چهل ساله هم بشود، تا محتمل نشده بالغ محسوب نمی گردد. این نظریه داوداست. (سید سابق، بی تا، ۳: ۵۷۶)

۴. سن تکلیف و مسئولیت در حقوق ایران

قانون مدنی ایران همان قانونی است که قبل از تشکیل جمهوری اسلامی، در سال های ۱۳۰۷ و ۱۳۱۳-۱۳۱۴ ش. بر مبنای فقه امامیه تدوین شده بود. منتها بعد از استقرار حکومت اسلامی، اصلاحات و تغییرات اندکی در آن انجام گرفته است. از جمله آن تغییرات، تغییر سن تکلیف و مسئولیت است که در زیر به آن پرداخته می شود.

البته با توجه به تفاوت تکلیف و مسئولیت از نظر قانون، لازم است هرکدام به طور جداگانه مطرح گردد تا مشخص شود که قانون گذار برای هرکدام از مسئولیت و تکلیف، مرحله های جداگانه از عمر را در نظر گرفته است یا در هر دو یک سن به عنوان سن قانونی لحاظ شده است.

۱-۴. سن تکلیف

در قانون مدنی ایران پیش از اصلاحات، سن تکلیف و مسئولیت هجده سال در نظر گرفته شده بود؛ اما این ماده قانونی (۱۲۰۹) پیرو اصلاحات انجام گرفته، حذف شد.

بعد از اصلاح، قانون‌گذار برای سن تکلیف و مسئولیت دو مرحله (بلوغ و رشد) قائل شده است:

الف. بلوغ: بلوغ در لغت به معنای رسیدن است و کسی که به این حد می‌رسد، بالغ گفته می‌شود. «در اصطلاح متشرعه عبارت است از رسیدن، انسان و سایر حیوانات، به اندازه خاصی از نیروی بدنی که به اقتضای طبیعت اولیه و با فراهم شدن مقدمات، قدرت بر انزال منی پیدا می‌کند». (مشکینی، ۱۳۸۴: ۱۰۷)

فقه‌های شیعه و سنی، در نشانه بودن سن برای بلوغ اتفاق و در مصداق آن اختلاف دارند؛ منشأ این اختلاف، نیامدن آن در قرآن و اختلاف روایاتی است که در این مسئله وارد شده است. این نکته نیز جای گفتن دارد که اختلاف نه تنها میان فقه‌های شیعه و سنی که میان فقه‌های هر مذهب نیز موجود است.

در قانون مدنی ایران، قانون‌گذار به تبعیت از قول مشهور فقه‌های مکتب اهل بیت^(ع)، سن بلوغ برای پسران پانزده سال تمام قمری و برای دختران نه سال قمری در نظر گرفته شده است. در ماده ۱۲۱۰ تبصره ۱ آمده است: «سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است».

طبق این تبصره، با رسیدن به بلوغ (پسران پانزده سالگی و دختران نه سالگی) در امور غیرمالی، مانند حضانت (ماده ۱۱۹۳)، طلاق (ماده ۱۱۳۶)، اقرار به نسب (۱۲۶۲)، شهادت در امور غیرمالی (۱۳۱۳)، اقرار به جرمی که موجب قصاص است، از حجر خارج می‌شود و می‌تواند مستقلاً عمل نماید؛ اما در امور مالی رفع حجر از او به احراز رشد نیاز دارد. (صفایی و قاسم‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۱۹)

در این ماده قانونی و دو تبصره‌اش تنافی به چشم می‌خورد، و آن اینکه در اصل ماده می‌گوید: «هیچ کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد»؛ اما در تبصره ۲ همین ماده می‌گوید: «اموال صغیری را که بالغ شده است، در صورتی می‌توان به او داد که رشد او ثابت شده باشد».

با توجه به اصل ماده (۱۲۱۰) و تبصره ۱، در صورت حصول بلوغ (دختران به نه



سالگی و پسران به پانزده سالگی) اصل عدم محجوریت و با توجه به تبصره ۲ همین ماده، اصل عدم رشد (محجوریت) است و این تنافی است.

ب. رشد: رشد در لغت به معنای هدایت شدن و استقامت آمده و در اصطلاح رعایت مصلحت در تصرفات مالی از نظر کسب کردن، حفظ کردن، مصرف کردن و مبادله کردن مال را گویند. (مشکینی، ۱۳۸۴: ۲۷۰) قانون‌گذار در معاملات و اعمال حقوقی، بلوغ را کافی ندانسته و رشد را شرط لازم برای تصرفات مالی شمرده است؛ اما برای تشخیص رشید معیار مشخصی ارائه نداده است، بلکه تشخیص رشد را موکول نموده است به اینکه باید شخص مولی‌علیه یا دادستان محل سکونت او و یا نماینده او به دادگاه مدنی خاص حوزه محل سکونت محجور مراجعه کند تا بعد از تحقیقات لازم، حکم به رشد یا عدم رشد او گردد. (قانون مدنی، ماده ۱۲۵۴ و ۱۲۵۵)

البته در برخی موارد سن هجده سالگی به عنوان اماره رشد مشخص گردیده است. برای مثال ثبت اسم و اسم خانوادگی در دفاتر ثبت اسناد که وظیفه هر شهروند دانسته شده است، اقتضا می‌کند که هر شخص باید نامی داشته باشد تا در دفاتر ثبت احوال درج گردد. حالا اگر برای کسی اسم انتخاب نشده بود در صورتی که سن او از ۱۸ سال بالا باشد می‌تواند برای خود اسمی برگزیند. (قانون ثبت احوال ماده ۱۶)

با توجه به اینکه انتخاب و ثبت اسم وظیفه همه شهروندان است، و شخص فاقد اسم در صورتی می‌تواند برای خود اسم انتخاب کند که سنش از هجده سال بالا باشد، می‌توان این نکته را استفاده کرد که اماره رشد در بعضی اعمال حقوقی (مانند تعیین اسم) هجده سال به بالاست.

۲-۴. سن مسئولیت

مسئولیت به قراردادی (اعمال حقوقی) و غیر قراردادی (وقایع حقوقی) تقسیم شده است. با توجه به اینکه هر کدام شرایط و خصوصیات متفاوت با دیگری دارد، لازم است جداگانه مورد بحث قرار گیرد تا نقطه اشتراک و افتراقشان در بحث سن مسئولیت روشن گردد:



الف. سن مسئولیت غیر قراردادی: مسئولیت غیر قراردادی (ضمان قهری) را قانون‌گذار در چهار مبحث غصب، اتلاف، تسبیب و استیفاء که اصطلاحاً وقایع حقوقی نامیده می‌شوند منحصر نموده است. که بعضی از حقوق‌دانان معتقدند، «بر این عنوان‌ها باید «ایفاء ناروا» (مواد ۳۰۱-۳۰۵ ق.م) و «اداره فضولی» (ماده ۳۰۶ ق.م) و «استفاده بدون جهت» را نیز افزود». (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۳)

در این نوع مسئولیت، سن خاص معتبر نیست بلکه افراد صغیر بسان اشخاص کبیر مسئول زیان وارده بر دیگری است، با این تفاوت که زیان وارده از طرف صغیر، باید توسط کسی جبران شود که قانون یا برحسب قرارداد عهده‌دار مواظبت او است. البته در صورت عسرت و تنگدستی سرپرست، باید از اموال خود صغیر پرداخت شود.

قانون مسئولیت مدنی در ماده ۷ می‌گوید: «کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانونا یا بر حسب قرارداد بر عهده او است، در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر است و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران‌کننده زیان نباشد».

ب. سن مسئولیت قراردادی: از تعریف مسئولیت قراردادی استفاده می‌شود که این نوع مسئولیت، نتیجه تخلف از قراردادی است که در معاملات میان دو یا چند نفر منعقد گردیده و یکی با تخلف از قرارداد، موجب ضرر و زیان مالی بر دیگری شده است. بنابراین سن مسئولیت قراردادی همان مرحله از عمر است که قانون‌گذار برای معاملات در نظر گرفته و او را با رسیدن به آن، دارای اهلیت قانونی دانسته است. قانون مدنی در ماده ۲۱۰ می‌گوید: «متعاملین باید برای معامله اهلیت داشته باشند».

همان‌گونه که پیداست، در این ماده قانونی تنها شرط صحت معامله (لزوم اهلیت داشتن متعاملین) بیان گردیده و سن یا اماره دیگری برای تشخیص اهلیت قانونی ارائه



نشده است. به همین دلیل در همین قانون ماده ۲۱۱ اهلیت را معنا نموده می گوید: «برای اینکه متعاملین اهل محسوب شوند، باید بالغ و عاقل و رشید باشند». بنابراین برای خروج صغیر از حجر، رسیدن به سن بلوغ کافی نیست، بلکه رشد نیز شرط است. (صفایی و قاسم زاده، ۱۳۸۶: ۲۱۳)

از ثمرات این بحث آن است که اگر کسی برحسب قرارداد یا غیر قرارداد، مال خودش را به تصرف صغیری در بیاورد و در دست صغیر تلف شود، ضمانتی بر صغیر نخواهد بود. (ماده ۱۲۱۵ ق. م. ایران)

۵. سن تکلیف و مسئولیت در حقوق افغانستان

سن تکلیف و مسئولیت در حقوق افغانستان، در قانون مدنی این کشور مطرح گردیده است که بسیاری از مواد آن مبتنی بر فتاوا و احکامی است که در مذهب حنفی مطرح است. همان گونه که در این قانون در موارد فقدان حکم ارجاع داده شده است به احکامی که در مذهب حنفی مطرح است.

۱-۵. سن تکلیف

در قانون مدنی افغانستان سن تکلیف برای اعمال حقوقی هجده سال تمام شمسی تعیین گردیده و چنین مقرر شده است که با رسیدن به این سن فرد می تواند عهده دار همه مسائل حقوقی خویش بشود. ماده ۳۹ قانون مدنی می گوید: «سن رشد هیجده سال مکمل شمسی است. شخص رشید در حالت صحت عقل در اجرای معاملات، دارای اهلیت حقوقی کامل شناخته می شود».

این قانون مطلق است و شامل همه اشخاص (چه مرد و چه زن) می گردد. بنابراین هر صغیر و صغیره که به این سن برسد، در تمام اعمال حقوقی خویش استقلال می یابد. البته قانون گذار در مسئله نکاح دختران حکم جداگانه (شانزده سالگی) اعلام نموده است. در ماده ۷۰ این قانون آمده است: «اهلیت ازدواج وقتی کامل می گردد که ذکور سن ۱۸ و اناث ۱۶ سالگی را تکمیل کرده باشند».

نسبت به حکم فوق یک استثناء قائل شده است و آن اینکه اگر سن دختر کم تر از



سن قانونی ازدواج باشد می‌تواند به واسطه پدر یا محکمه، اقدام به ازدواج بکند منتها به شرط اینکه کم‌تر از پانزده سال نباشد. ماده ۷۱ قانون مدنی در بند (۱) می‌گوید: «هرگاه دختر سن مندرج ماده ۷۰ (۱۶ سالگی) این قانون را تکمیل نکرده باشد، عقد ازدواج وی تنها توسط پدر صحیح التصرف یا محکمه با صلاحیت صورت گرفته می‌تواند». در بند (۲) می‌گوید: «عقد نکاح صغیره کمتر از (۱۵) سال به هیچ وجه جواز ندارد».

۲-۵. سن مسئولیت

سن مسئولیت با توجه نوع مسئولیت باید مورد توجه و تبیین قرار بگیرد؛ زیرا در مسئولیت قراردادی سن خاصی معتبر است ولی مسئولیت قراردادی شرط سنی ندارد. الف. سن مسئولیت غیر قراردادی (ضمان قهری): قانون‌گذار برای این قسم از مسئولیت مدنی، سن خاصی را اعتبار نکرده است؛ یعنی بر اساس قانون در «وقایع حقوقی» سن مطرح نیست، بلکه همان گونه که اشخاص بزرگسال و دارای اهلیت قانونی مسئول جبران خسارات وارده بر زیان دیده هستند، افراد خردسال که هنوز دارای اهلیت قانونی نشده‌اند، نیز مطابق قانون مسئول زیان وارده می‌باشند.

قانون مدنی در ماده ۷۶۲ می‌گوید: «هرگاه صغیر ممیز یا غیر ممیز یا شخصی که تابع حکم صغیر غیر ممیز پنداشته شود، مال غیر را تلف نماید، ضمان مال تلف شده از مال متعلق به خود وی لازم می‌گردد. در صورت نداشتن مال تا زمان دارا شدن وی مهلت داده می‌شود، ولی وصی و قیّم به ضمان مال تلف شده مکلف پنداشته نمی‌شود، مگر در صورتی که محکمه آن‌ها را به ضمان مال مکلف سازد. در این صورت حق رجوع آن‌ها بر تلف کننده محفوظ است».

ب. سن مسئولیت قراردادی: از آنجا که مسئولیت قراردادی در پی قراردادهای معاملاتی و تخلف از آن مطرح است، سن مسئولیت نیز همان سنی معتبر در معاملات است که در قانون مدنی افغانستان هجده سال تمام شمسی تعیین گردیده است. قانون‌گذار این سن را در همه معاملات و امور مالی اعتبار کرده و هرکس به این سن نرسیده باشد، محجور دانسته شده و معاملاتش را فاقد اعتبار قانونی فرض



کرده است.

در ماده ۳۹ قانون مدنی آمده است: «سن رشد ۱۸ سال مکمل شمسی است. شخص رشید در حالت صحت عقل در اجرای معاملات، دارای اهلیت حقوقی کامل شناخته می شود».

مطابق ماده ۴۱ قانون مدنی، شخصی که ۱۸ سال تمام ندارد ناقص اهلیت است و لذا معاملات او جهت قانونی ندارد. قانون گذار نسبت به این حکم و برای آماده کردن صغیر در عرصه زندگی، یک استثناء قائل شده و آن اینکه، هرگاه صغیر به سن ۱۶ سالگی رسیده باشد، ولی می تواند به اجازه محکمه باصلاحیت مبلغی را برای تجارت به دسترس وی بگذارد. (قانون مدنی، بند ۱، ماده ۲۷۷)

در این صورت که صغیر با اجازه ولی و محکمه اقدام به معامله می کند، اگر در اثر نقض قراردادی به دیگری ضرر و زیان وارد آورد، مسئول خواهد بود. چون معاملاتش جهت قانونی دارد و شخص متضرر می تواند از صغیر مأذون، درخواست غرامت و خسارت کند.

ماده ۲۷۸ قانون مدنی می گوید: «تصرفات صغیر مأذون در حدودی که محکمه با صلاحیت در اموال وی مجاز قرار داده است، به منزله تصرف شخصی است که به سن رشد رسیده باشد».

نتیجه گیری

سن تکلیف در حقوق دو کشور اسلامی افغانستان و ایران کاملاً متفاوت است. در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، سن تکلیف دارای دو مرحله است: مرحله اول بلوغ است که در این قانون مطابق نظریه مشهور فقهای امامیه، نه سال قمری اعلام شده است که صغیر با رسیدن به این سن جز در مسائل مالی مکلف شمرده می شود. مرحله دوم رشد است که قانون گذار سن خاصی را برای آن در نظر نگرفته است و شیوه اثبات آن را چنین بیان نموده که شخص مولی علیه یا دادستان محل سکونت او یا نماینده او به دادگاه مدنی خاص حوزه محل سکونت محجور مراجعه کند تا بعد از تحقیقات لازم، حکم به رشد یا عدم رشد او گردد؛ اما سن تکلیف



در قانون مدنی افغانستان، ۱۸ سال تمام شمس‌ی اعلام شده و صغیر با رسیدن به این سن، در همه اعمال حقوقی خویش مستقل می‌گردد.

سن مسئولیت قراردادی در قانون مدنی ایران همان رشد صغیر دانسته شده؛ چون این نوع مسئولیت از شاخه‌های معاملات است که رشد معتبر است؛ اما در قانون مدنی افغانستان سن مسئولیت ۱۸ سالگی اعلام شده است. در مسئولیت غیر قراردادی (ضمان قهری = وقایع حقوقی)، که سن مطرح نیست دو قانون اتفاق نظر دارد؛ اما در نحوه اجرا، اختلاف دارد. مطابق قانون مدنی ایران اگر طفل به کسی خسارت وارد نماید، ولی و سرپرست او مسئول جبران خسارت خواهد بود مگر اینکه در عسر و حرج مالی باشد که در آن صورت می‌تواند از مال صغیر خسارت وارده را جبران کند؛ اما طبق قانون مدنی افغانستان مسئول جبران خسارت خود طفل است و ضمان مال تلف شده از مال متعلق به خود وی لازم می‌گردد. منتها در صورت نداشتن مال مهلت داده می‌شود تا دارا گردد. ولی وصی و قیم، جز به حکم محکمه، مکلف به جبران خسارت نیست که در این صورت نیز حق رجوع آن‌ها بر تلف کننده محفوظ خواهد بود.

فهرست منابع

الف. کتاب‌ها

۱. ابن قدامه، عبدالله، (بی‌تا)، *المغنی*، بیروت: دارالکتاب العربی.
۲. امامی، سید حسن، (۱۳۷۷)، *حقوق مدنی*، تهران: انتشارات اسلامی.
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۶۷)، *ترمینولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش.
۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۱)، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش.
۵. سید سابق، (بی‌تا)، *فقه السنه*، بیروت: دارالکتاب العربی.
۶. صفایی، سید حسین وقاسم زاده، سید مرتضی، (۱۳۸۶)، *حقوق مدنی اشخاص و محجورین*، تهران: نشر سازمان سمت.
۷. طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین*، (تحقیق: احمد الحسینی)، تهران: نشر مرتضوی.
۸. فنواتی، جلیل، (۱۳۷۷)، *نظام حقوقی اسلام*، قم: دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی مرکز جهانی علوم اسلامی.
۹. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۴)، *دوره مقدماتی حقوق مدنی «وقایع حقوقی»*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۰. مشکینی، علی، (۱۳۸۴)، *مصطلحات الفقه*، قم: مؤسسه الهادی.

ب. قوانین و لایحه‌ها

۱۱. قانون ثبت احوال جمهوری اسلامی ایران.
۱۲. قانون مدنی افغانستان.
۱۳. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران.



